

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا
۲۲ اکتوبر ۲۰۱۸



فلاخن ناز

فلک کر گشته گوش از فغان و شور و غوغایم
به پا زنجیر الفت تیر حرمان بر جگر مسحور
عبیر اندوده پیغامی به آن صبح بنا گوش
فلاخن بر کف نازش به رقص آورده در گلشن
به ناز و دلبری دامن کشان شور آفرین گردید
تبسمهای نازش کلبه صبرم چراغان کرد
تنش پیچاند بر گرد تنم چون شاخ نیلوفر
سرم بر شانه مهرش نیاز و شکوه سر دادم
شرار شعله اندیشه عصیانگرم سرزد
لبش میدوزد از فرط عطش لبهای خشکم را
ز لغزشهای باران سای اندامش بر اندامم
چو مستم ساخت از آن ساغر میگون لبهایش
لب دریا شکر ریز است در الفتگه احباب

جهان در غم نشست از سوز شیونهای شبهایم
که آن جادوی زلف عنبرین کرده ست شیدایم
فرستادم به بال هدهد سرمست و پویایم
که بی جان سازد آن بوم غم دلگیر و تنهایم
چو آمد در برم بنشست و قفلی زد به لبهایم
چو زیر چتر آن زلف سمنسا داده ماوایم
نگر ای چرخ رنگ و عطر سحرآمیز گلهایم
نوازشگر شد و برد آن غم پنهان و پیدایم
در آن ظلمتگه تنهائی دلگیر ماوایم
چو میداند من آن مجنون عطشان به صحرایم
غریق بحر گوهر از عرق کرده سراپایم
تراوش میکند مستی ز حرف شعر زیبایم
چو بلبل آشیان گم کرده در این بیشه تنهایم

"مختار دریا" ۲۴ سپتمبر